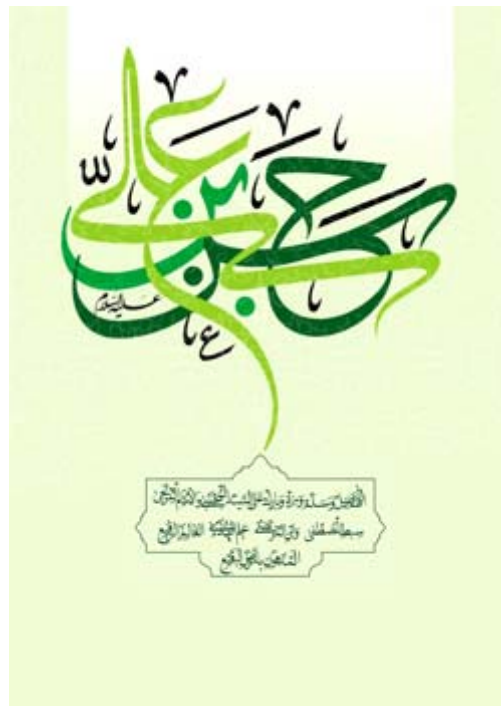


ميلاد امام حسن مجتبی (عليه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

پیش از این در تاریخ زندگانی پیامبر بزرگوار اسلام در حوادث سال سوم هجرت ذکر شد که سبط اکبر آن حضرت، امام حسن (علیه السلام)، در سال سوم به دنیا آمد، و مشهور آن است که این مولود فرخنده در شب نیمه ماه رمضان -بهترین ماههای خدا- متولد شده، و البته در این باره در کتاب های شیعه و سنت اقوال دیگری هم نقل شده که خلاف مشهور است (1).

داستان ولادت و مراسم نامگذاری

و اما داستان ولادت به گونه ای که در روایات شیخ صدوق (رحمه الله علیه) در امالی و علل و عیون اخبار الرضا و

روایات دیگر محدثین شیعه و اهل سنت آمده و از امام سجاد (علیه السلام) روایت شده این گونه است که فرمود:

چون فاطمه (سلام الله علیها) فرزندش حسن را به دنیا آورد، به پدرش امام علی (علیه السلام) عرض کرد: «نامی برای او بگذار» علی (علیه السلام) فرمود: «من چنان نیستم که در مورد نامگذاری او به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پیشی گرفته و سبقت جویم.» در این وقت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بیامد، و آن کودک را در پارچه زردی پیچیده، به نزد آن حضرت بردند. حضرت فرمود: مگر من به شما نگفته بودم که او را در پارچه زرد نیچید؟ سپس آن پارچه را به کناری افکند و پارچه سفیدی گرفته و کودک را در آن پیچید، آنگاه رو به امام علی (علیه السلام) کرده فرمود: آیا او را نامگذاری کرده ای؟

عرض کرد: من در نامگذاری وی به شما پیشی نمی گرفتم!

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: من هم در نامگذاری وی بر خدا سبقت نمیجویم!

در این وقت خدای تبارک و تعالی به جبرئیل وحی فرمود که برای محمد پسری متولد شده، به نزد وی برو و سلامش برسان و تبریک و تهنیت گوی و به وی بگو: براستی که علی نزد تو به منزله هارون است از موسی، پس او را به نام پسر هارون نام بنه!

جبرئیل از آسمان فرود آمد و از سوی خدای تعالی به وی تهنیت گفت و سپس اظهار داشت: خدای تبارک و تعالی تو را مامور کرده که او را به نام پسر هارون نام بگذاری. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پرسید: نام پسر هارون چیست؟ عرض کرد: «شبر». فرمود: زبان من عربی است؟ عرض کرد: نامش را «حسن» بگذار، و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) او را حسن نامید... (2)

و در برابر این روایت، روایات دیگری هم در کتاب های علمای شیعه و اهل سنت آمده که چون امام حسن (علیه السلام) به دنیا آمد، امام علی (علیه السلام) او را «حرب» نامید، و چون رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) اطلاع یافت به امام علی (علیه السلام) دستور داد آن نام را به «حسن» تغییر دهد... (3)

و یا اینکه امام علی (علیه السلام) نام این نوزاد را «حمزه» گذارد و چون حسین به دنیا آمد نام او را «جعفر» گذارد، و پس از آن رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) امام علی (علیه السلام) را طلبیده و به او فرمود: به من دستور داده شده که نام این فرزند خود را تغییر دهم، سپس به امام علی (علیه السلام) دستور داد که نام آن دو را «حسن» و «حسین» بگذارد، و امام علی (علیه السلام) نیز به دستور آن حضرت عمل کرد... (4)

ولی همان گونه که صاحب کشف الغمه گفته است، این مطلب بعید به نظر میرسد، و خلاف مشهور و ضعیف است، و مشهور همان است که در روایت بالا ذکر شد، و باقر شریف در کتاب حیاة الحسن این گونه روایات را از موضوعات و جعلیات دانسته و دلیل هایی بر این مطلب ذکر کرده که بهتر است برای اطلاع بیشتر به همان کتاب مراجعه نمایید. (5)

و در روایات بسیاری از طریق اهل سنت آمده که این دو نام شریف «حسن» و «حسین» در جاهلیت سابقه

نداشته و از نام های بهشتی است، و متن یکی از آن روایات که طبری در کتاب ذخائر العقبی روایت کرده، این گونه است که عمران بن سلیمان گفته:

«الحسن و الحسین اسمان من اسماء اهل الجنة، ما سمیت بهما فی الجاهلیة» (6)

(حسن و حسین دو نام از نامهای اهل بهشت است که در زمان جاهلیت سابقه نداشته است.)

انجام مراسم دینی و سنت های مذهبی

از جمله سنتهای اسلامی درباره نوزاد، گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ اوست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) این سنت را درباره این نوزاد عزیز انجام داد، و پس از اینکه او را به دست آن حضرت دادند، در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه گفت (7).

و نیز برای نوزاد جدید عقیقه کرد (یعنی گوسفندی برای او قربانی کرد) (8) و یک ران آن را به قابله داد، و در برخی از روایات است که این کار را در روز هفتم انجام داد (9).

و در روایت کلینی (رحمه الله علیه) در کافی این گونه است که پس از عقیقه این دعا را خواند:

«...بسم الله عقیقة عن الحسن»

(به نام خدا این عقیقه ای است از حسن...)

و به دنبال آن نیز این دعا را خواند:

«اللهم عظمها بعظمه، و دمها بدمه، و شعرها بشعره، اللهم اجعله وقاءا لمحمد و آله» (10)

(خدایا استخوان آن در برابر استخوان این نوزاد، و گوشتش در برابر گوشت وی، و خونس در برابر خون او، و مویش در برابر موی او، خدایا آن را وسیله حفاظتی برای محمد و خاندانش قرار ده.)

و همچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور داد موی سر نوزاد را در روز هفتم بتراشند و هم وزن آن نقره صدقه دهند، و سپس بر سر نوزاد «خلوق» - که نوعی عطر مخلوط بوده - مالید، و به دنبال آن به عنوان مذمت از رسم و شیوه معمول آن زمان که خون بر سر نوزاد میمالیدند به اسماء که راوی حدیث است فرمود: «یا اسماء الدم فعل الجاهلیة»

(ای اسماء مالیدن خون بر سر نوزاد از کارهای زمان جاهلیت است!)

و در پاره‌ای از روایات اهل سنت آمده که در روز هفتم مراسم ختنه نوزاد نیز انجام شد (11)، ولی ظاهر روایات شیعه آن است که از جمله مختصات ائمه دین (علیهم السلام) آن بوده که «مختون» (یعنی ختنه شده) به دنیا می‌آمدند، جز آنکه به عنوان استحباب و سنت، صورتی (12) از این کار را انجام میدادند... (13)

و از جمله سنت های نوزاد در اسلام تعویذ او به دعاست، یعنی برای سلامتی و حفظ او از چشم زخم و شیاطین جنی و انسی به وسیله خواندن یا نوشتن دعا او را در پناه خدا قرار داده و به خدا میسپارند.

و طبق روایات بسیاری که در کتابهای شیعه و اهل سنت آمده، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دو فرزند خود حسن و حسین را به این دعا تعویذ فرمود:

«اعیذ کما بکلمات الله التامة من کل شیطان وهامة و من کل عین لامة» (14)

(شما را پناه میدهم به کلمات تامه و کامله پروردگار از هر شیطان بدخواهی و از هر چشم زخمی.)

و در روایت دیگری است که این گونه میفرمود:

«اعیذ کما من عین العاین و نفس النافس» (15)

(شما را پناه میدهم از چشم چشم زن، و نفس نفس زن.)

کنیه و القاب

و از جمله آداب و سنتهای ولادت نوزاد پس از نامگذاری، تعیین کنیه برای اوست که طبق حدیثی، امام باقر(علیه السلام) فرمود:

«انا لنکنی اولادنا فی صغرهم مخافة النبز ان یلحق بهم» (16)

(ما برای فرزندانمان در کودکی کنیه قرار می دهیم، از ترس آنکه مبدا در بزرگی دچار لقب های ناخوشایند گردند.)

و کنیه آن حضرت بر طبق روایات بسیاری «ابو محمد» بوده و کنیه دیگری نداشته است.

و اما القاب آن حضرت بدین شرح است: سبط، زکی، مجتبی، سید، تقی، طیب، ولی...

و مرحوم اربلی در کتاب کشف الغمة پس از نقل کنیه و القاب آن حضرت از روی کتاب های اهل سنت گفته است: مشهورترین این القاب «تقی» است و بهترین و شایسته ترین آنها همان است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) او را بدان ملقب فرمود و آن «سید» است. (17)

پی نوشت‌ها:

1. مستدرک حاکم، ج 3، ص 169، اسد الغابه، ج 2، ص 9، اکمال الرجال خطیب تبریزی، ص 627، حیاة الامام الحسن، ج 1، ص 59.
2. بحار الانوار، ج 43، ص 238، و به همین مضمون روایات بسیاری در کتب اهل سنت نقل شده که بیشتر آنها در ملحقات احقاق الحق، ج 10، ص 492 به بعد ذکر شده است.
3. بحار الانوار، ج 43، ص 251، حیاة الحسن باقر شریف، ج 1، ص 63، ملحقات احقاق الحق، ج 10، صص 492-501.
4. بحار الانوار، ج 43، ص 255، ملحقات احقاق الحق، ج 10، ص 498.
5. حیاة الامام الحسن بن علی، ج 1، ص 63.
6. ملحقات احقاق الحق، ج 10، ص 488 و حیاة الامام الحسن بن علی، ج 1، ص 63. و در مناقب ابن شهر آشوب از عمران بن سلیمان و عمرو بن ثابت نقل کرده که گفته‌اند: «ان الحسن و الحسین اسمان من اسامی اهل الجنة و لم یكونا فی الدنيا»
7. بحار الانوار، ج 43، ص 239، مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 391، صحیح ترمذی، ج 1، ص 286، صحیح ابی داود، ج 33، ص 214، احقاق الحق، ج 11، صص 6-8.
8. و در برخی از روایات شیعه و اهل سنت آمده که دو گوسفند برای حسن (علیه السلام) و دو گوسفند برای حسین (علیه السلام) قربانی کرد، ولی روایت یک گوسفند مشهورتر و از نظر سند هم قویتر از روایات دیگر است، چنانچه در حیاة الامام الحسن نیز بدان تصریح کرده است.
- 9 و 10. بحار الانوار، ج 43، صص 239 و 250 و 257. حیاة الامام، ج 1، ص 64. ملحقات احقاق الحق، ج 10، صص 511-17.
11. نور الابصار، ص 108، و ملحقات احقاق الحق، ج 10، ص 519 به نقل از مفتاح النجا بدخشی.
12. و به تعبیر روایات «امرار موسی» میکرده‌اند.
13. سفینه البحار، ج 1، ص 379.
14. سفینه، ج 2، ص 287 و ملحقات احقاق الحق، ج 10، صص 520 و 524 و 527.
15. ملحقات احقاق الحق، ج 10، ص 527.

16. حياة الامام الحسن (عليه السلام)، ج 1، ص 65.

17. بحار الانوار، ج 43، ص 255.